



A comparative Study of the Impact of force Majeure and Hardship on the Obligations of the Parties to the Contract in Iranian Law and FIDIC With a Look at Jurisprudence

Mehdi Tehrani¹, Hossein Shokreian Amiri^{2*}

1. Department of Private Law, Yasuj Branch, Islamic Azad University, Yasuj, Iran.
2. Department of Law, Yasuj Branch, Islamic Azad University, Yasuj, Iran.
3. Department of Law, Yasuj Branch, Islamic Azad University, Yasuj, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages:171-182

Article history:

Received: 05 Mar 2025

Edition:27 Mar 2025

Accepted:12 May 2025

Published online: 22 Jun 2026

Keywords:

Force Majeure, Hardship, Contract, Iranian Law, FIDIC.

Corresponding Author:

Hossein Shokreian Amiri

Address:

Iran, Babolsar, University of Mazandaran, Department of Islamic Jurisprudence and Fundamentals of Law

Orchid Code:

0009-0001-8501-9872

Tel:

09372897595

Email:

Dr.h.sh31@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aims: The background and purpose of this research is to clarify the differences and similarities between the Iranian legal system and FIDIC regarding the management of force majeure and hardship and to analyze how these concepts affect the rights of the parties to the contract.

Materials and Methods: This research is of a theoretical type and has been carried out using a descriptive-analytical method.

Ethical Considerations: In this research, the principles of trustworthiness, honesty, neutrality and originality of the work have been respected.

Results: Force majeure and hardship in Iranian and FIDIC law have similarities in general aspects, but there are significant differences in the details and implementation of these concepts, which can emphasize the need to formulate up-to-date and flexible contractual clauses to properly protect the rights of the parties in changing circumstances.

Conclusion: In Iranian law, force majeure generally refers to natural and unforeseeable events whereby the parties can be exempted from their contractual obligations, while hardship refers to economic or social changes that are usually foreseeable but can have severe effects on obligations. In the FIDIC legal system, there are specific clauses to address force majeure that allow the contractor to extend the contract period and be exempted from performing obligations in the face of uncontrollable circumstances, while the effect of hardship requires strong documentation and reasons to justify changes in the terms of the contract.

Cite this article as:

Tehrani, M; Shokreian Amiri, H. *A comparative Study of the Impact of force Majeure and Hardship on the Obligations of the Parties to the Contract in Iranian Law and FIDIC With a Look at Jurisprudence*. Economic Jurisprudence Studies. 2026.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره هشتم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۵

مطالعه تطبیقی تأثیر فورس ماژور و هاردشیپ بر تعهدات طرفین قرارداد در حقوق ایران و فیدیک با نگاهی به فقه

مهدی طهرانی^۱، حسین شکریان امیری^{۲*}

۱. گروه حقوق خصوصی، دانشگاه قم، قم، ایران.

۲. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: زمینه و هدف این تحقیق روشن ساختن تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود میان نظام حقوقی ایران و فیدیک در خصوص مدیریت فورس ماژور و هاردشیپ و تحلیل چگونگی تأثیر این مفاهیم بر حقوق طرفین قرارداد است.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده و به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تحقیق حاضر، اصل امانتداری، صداقت، بی‌طرفی و اصالت اثر رعایت شده است.

یافته‌ها: فورس ماژور و هاردشیپ در حقوق ایران و فیدیک از جنبه‌های عمومی تشابهاتی دارند، اما در جزئیات و اجرای این مفاهیم تفاوت‌های معناداری وجود دارد که می‌تواند بر نیاز به تدوین بندهای قراردادی به‌روز و منعطف تأکید کند تا حقوق طرفین در شرایط متغیر به‌خوبی حفظ شود.

نتیجه: در حقوق ایران، فورس ماژور عموماً به حوادث طبیعی و غیرقابل پیش‌بینی اشاره دارد که به موجب آن، طرفین می‌توانند از مسئولیت‌های قراردادی خود معاف شوند، در حالی که هاردشیپ به تغییرات اقتصادی یا اجتماعی اشاره دارد که معمولاً قابلیت پیش‌بینی دارند؛ اما اثرات شدیدی می‌توانند بر تعهدات داشته باشند. در نظام حقوقی فیدیک، بندهای مختص مشخصی برای رسیدگی به فورس ماژور وجود دارد که به پیمانکار این امکان را می‌دهد که در مواجهه با شرایط غیرقابل کنترل، زمان قرارداد را تمدید کند و از انجام تعهدات معاف شود، در حالی که تأثیر هاردشیپ نیازمند مستندات و دلایل قوی برای توجیه تغییرات در شرایط قرارداد است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۷۱-۱۸۲

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۵

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۱/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

فورس ماژور، هاردشیپ، قرارداد، حقوق ایران، فیدیک.

نویسنده مسئول:

حسین شکریان امیری

آدرس پستی:

ایران، بابلسر، دانشگاه مازندران، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی.

تلفن:

09372897595

کد ارکید:

0009-0001-8501-9872

پست الکترونیک:

Dr.h.sh31@gmail.com

۱. مقدمه

فورس ماژور و هاردشیپ به شرایط غیرمنتظره و غیرقابل پیش‌بینی اشاره می‌کنند و تأثیرات زیادی بر تحقق تعهدات طرفین قرارداد دارند. این دو مفهوم به رغم شباهت‌هایی که دارند، دارای تفاوت‌های مهمی نیز هستند.

فورس ماژور به معنای یک وضعیت غیرقابل پیش‌بینی و خارج از کنترل طرفین است که مانع از انجام تعهدات قراردادی آنها می‌شود. این وضعیت ممکن است شامل حوادث طبیعی مانند سیل، زلزله، طوفان، یا جنگ و شورش باشد. در غالب قراردادهای شرایط فورس ماژور تعریف مشخصی ارائه می‌شود و طرفین موظف به اعلام وقوع این وضعیت به دیگر طرف قرارداد هستند. در صورتی که فورس ماژور رخ دهد، معمولاً کارفرما یا پیمانکار می‌تواند از انجام تعهدات خود معاف شوند و قرارداد ممکن است تمدید شود یا مبلغ تعدیل گردد. بندهای مربوط به فورس ماژور معمولاً شرایط لازم برای اثبات آن، نحوه اعلام وقوع آن، و تدابیر لازم برای مدیریت این وضعیت را مشخص می‌کند. هاردشیپ به مفهومی اشاره دارد که در آن یکی از طرفین قرارداد به دلیل تغییرات ناگهانی و شدید در شرایط اقتصادی، اجتماعی یا سیاسی، قادر به انجام تعهدات خود نیست. این شرایط ممکن است به ویژه در پروژه‌های بلندمدت پیش‌آید و شامل افزایش غیرمنتظره هزینه‌ها، تغییرات در قوانین، یا بحران‌های اقتصادی باشد. برخلاف فورس ماژور که به حوادث غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل کنترل مربوط می‌شود، هاردشیپ عموماً بر اثر تغییرات قابل پیش‌بینی در محیط قرارداد یا انجام اشتباهات ذاتی در قرارداد مانند برآورد نادرست هزینه‌ها و زمان‌بندی‌ها ایجاد می‌شود.

فورس ماژور و هاردشیپ می‌توانند به طور مستقیم بر یکدیگر تأثیر بگذارند. به عنوان مثال، اگر یک بحران اقتصادی (هاردشیپ) به دلیل وقوع یک فاجعه طبیعی (فورس ماژور) تشدید شود، ممکن است پیمانکار یا کارفرما از فورس ماژور برای تقاضای شرایط مساعدتری استفاده کند. در این شرایط، هاردشیپ می‌تواند به عنوان یک عامل کمکی برای تشدید اثرات فورس ماژور عمل کند. در کنار هم، این دو مفهوم ممکن است به تعیین حقوق و تعهدات طرفین قرارداد کمک کنند. در صورتی که یک طرف تحت تأثیر هاردشیپ قرار گیرد، ممکن است از کارفرما یا پیمانکار درخواست کنند که شرایط قرارداد را به دلیل وضعیت جدید تجدید نظر کنند. در مقابل، وقتی که فورس ماژور رخ می‌دهد، طرفین می‌توانند بر اساس متن قرارداد، تصمیم بگیرند که آیا تسهیلاتی در زمینه تمدید زمان یا تعدیل هزینه‌ها برقرار کنند یا خیر. به طور کلی، در هر دو حالت، اعتبار قرارداد و حقوق طرفین تحت تأثیر قرار می‌گیرد و طرفین باید مکانیزم‌های مناسب برای مدیریت این ریسک‌ها و تغییرات را در قراردادهای خود پیش‌بینی کنند. این مکانیزم‌ها می‌توانند شامل استفاده از بندهای خاص فورس ماژور و هاردشیپ، تعیین فرآیندهای دقیق برای اعلام وقوع آن‌ها و تأثیرات احتمالی بر قیمت و زمان اجرای پروژه باشند. نظر به تشریح یاد شده، از تأثیر فورس ماژور و هاردشیپ بر تعهدات طرفین قرارداد، تحقیق حاضر در تلاش است تا به مطالعه تطبیقی تأثیر فورس ماژور و هاردشیپ بر تعهدات طرفین قرارداد در حقوق ایران و فیدیک با نگاهی به فقه بپردازد. سؤال اصلی این است که تأثیرات فورس ماژور و هاردشیپ بر تعهدات طرفین قرارداد در

چالش‌هایی مواجه شوند که موجب عدم توانایی در انجام تعهدات خود می‌شود. از این رو، بررسی دقیق نحوه تعریف و اجرای مفاهیم فورس ماژور و هاردشیپ در نظام‌های حقوقی ایران و فیدیک و مقایسه رویکردهای این دو نظام در مواجهه با این شرایط، اهمیت زیادی دارد. با وجود شباهت‌های عمومی میان این دو نظام، تفاوت‌های جزئی در نحوه مدیریت و رسیدگی به این مسائل می‌تواند تأثیر عمیقی بر حقوق و وظایف طرفین قرارداد داشته باشد. بنابراین، این تحقیق به دنبال پاسخ به این سوالات مهم است که چگونه می‌توان با استفاده از مبانی فقهی و اصول قراردادی، به تبیین و تقویت حقوق طرفین در مواجهه با فورس ماژور و هاردشیپ پرداخت و چه تدابیری می‌توان برای تدوین بندهای قراردادی منعطف و به‌روز ارائه کرد تا حقوق طرفین به‌طور مؤثر مورد محافظت قرار گیرد.

برای ارائه پاسخ به این پرسش، مطالب ذیل ارائه می‌گردد.

۵-۱. تعدیل پیمان‌های فاقد شرط تعدیل به دلیل شرایط فورس ماژور و هاردشیپ در حقوق ایران

در حالی که اصل حفظ تعادل اقتصادی قرارداد تا پایان مدت توافق‌شده و اجرای کامل تعهد، از اصول حقوقی محرز و مسلم و یک قاعده کلی در قراردادهای مستمر و بلندمدت است، به این معنا که تعادل مقبول بین دو عوض باید تا پایان اجرای قرارداد حفظ شود. این اصل بر پایه اراده و خواست مشترک طرفین استوار بوده و اعتبار خود را از قاعده‌ی «حکومت اراده بر عقد» می‌گیرد (شفایی، ۱۳۷۶، ۳۸). بنابراین، در پاسخ به این سوال که آیا قانون‌گذار تدابیری برای امکان تعدیل پیمان‌های فاقد شرط تعدیل در نظر

نظام حقوق ایران و اصول فیدیک چیست و به چه میزان این آثار در فقه اسلامی قابل تطبیق و تطابق است؟ و فرضیه اصلی بر این است که با وجود تفاوت‌های ساختاری و نظام‌مند در حقوق ایران و فیدیک، اثرات فورس ماژور و هاردشیپ در هر دو نظام در محدود کردن و تغییر تعهدات طرفین مشابهت‌هایی داشته و این موضوع نیازمند بررسی تطبیقی و تحلیل فقهی است.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله چون توصیفی تحلیلی است و در آن از روش پرسش‌نامه و مصاحبه استفاده نشده، لذا برای جمع‌آوری داده از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌ها حاکی از آن است که در حالی که حقوق ایران و فیدیک از جنبه‌های عمومی تشابهاتی دارند، اما در جزئیات و اجرای این مفاهیم تفاوت‌های معناداری وجود دارد که می‌تواند بر نیاز به تدوین بندهای قراردادی به‌روز و منعطف تأکید کند تا حقوق طرفین در شرایط متغیر به‌خوبی حفظ شود.

۵. بحث

موضوع «مطالعه تطبیقی تأثیر فورس ماژور و هاردشیپ بر تعهدات طرفین قرارداد در حقوق ایران و فیدیک با نگاهی به فقه» به شدت وابسته به نیاز به درک و تحلیل تأثیر شرایط غیرقابل پیش‌بینی و بحران‌های اقتصادی بر اجرای قراردادها است، زیرا در دنیای امروز به دلیل وقوع حوادث طبیعی، بحران‌های جهانی و تغییرات ناگهانی اقتصادی، طرفین قرارداد ممکن است با

گرفته، می‌توان گفت که به طور کلی تعدیل قانونی در حقوق ایران به رسمیت شناخته شده است. به عنوان مثال، ۱- در آبان‌ماه ۱۳۵۸، تبصره‌ای به «لایحه‌ی قانونی شیوه‌ی تخلیه‌ی ساختمان‌های اجاره‌ای» که توسط وزارتخانه‌ها و شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی تصویب شده بود، اضافه گردید. در این تبصره آمده است: «آرای صادرشده از محاکم دادگستری که با استناد به ماده‌ی ۴ قانون روابط موجر و مستأجر که در سال ۱۳۵۶ تصویب گردیده و به مرحله‌ی اجرا درنیامده باشد، بر اساس درخواست مستأجر موقوف‌الاجرا خواهد بود و دادگاه موظف است با نظر کارشناسان، حکم صادره را با تعیین اجاره‌بهای منصفانه اصلاح کند. این حکم قطعی است.» ۲- همچنین قاعده‌ای به تبصره‌ی ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی در سال ۱۳۷۶ اضافه شد که به ارزیابی مهریه زنان به نرخ روز اشاره داشت. این موارد نمونه‌هایی از تلاش قانون‌گذار است که به بهانه‌ی تفسیر اراده‌ی طرفین یا به منظور تأمین مصالح اجتماعی و برقراری عدالت معاوضی در قراردادهای خود را بر طرفین تحمیل می‌کند.

به طور واضح، حفظ تعادل قراردادی ملزم است، به‌گونه‌ای که قرارداد باید بر اساس قانون زمان انعقاد خود و مقررات جدید، فاقد حاکمیت آثار قراردادهای جاری باشد و این اصل به سرعت تأثیر قوانین جدید وابسته است. در برخی موارد، برحسب ضرورت‌های اجتماعی، قانون‌گذار باید هر جا که نظم عمومی در خطر باشد، قوانین را بر قراردادهای در حال اجرا حاکم نماید (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ۳، ۵۳۲).

بنابراین، در پیمان‌های دولتی که یکی از طرفین دولت (کارفرما) است و این نهاد به عنوان ناظر و

تصمیم‌گیرنده بر تمام مراحل انعقاد قرارداد تا پایان پروژه‌های دولتی، به منظور حفظ تعادل اقتصادی در قراردادهای، عمل می‌کند، در صورت مواجهه با شرایطی که طی بحران‌های شدید اقتصادی تعادل مالی به هم می‌ریزد، اقدام به تصویب و ابلاغ بخش‌نامه‌ها می‌کند. به عنوان مثال، در سال ۱۳۹۱، زمانی که ضریب تغییر و نوسانات اقتصادی سریع‌تر از قبل ظاهر شده بود و قیمت ارز (دلار) به طور چشمگیری افزایش یافته بود، پیمانکارانی که موظف به خرید مصالح از خارج بودند با این تغییر غیرمنتظره مواجه شدند. از آنجایی که قیمت تعیین‌شده برای مصالح و همچنین مبلغ قرارداد در زمان انعقاد با قیمت‌های کنونی تفاوت فاحشی داشت، پیمانکاران دچار ضرر شده و توانایی انجام تعهدات خود را از دست می‌دادند که این امر می‌توانست به تأخیر در اتمام پروژه‌ها منجر شود.

برای پیشگیری از چنین خساراتی، سازمان مدیریت با صدور بخش‌نامه‌ای با شماره و تاریخ ۵۳۰۲۴/۹۲ - ۲۳/۰۶/۹۲ تحت عنوان «نحوه‌ی جبران اثرات تغییر قیمت ارز در پیمان‌های فاقد تعدیل» به دستگاه‌های اجرایی، مهندسان مشاور و پیمانکاران ابلاغ کرد. در این بخش‌نامه بیان شده است: «به استناد ماده‌ی ۲۳ قانون برنامه و بودجه و نظام فنی و اجرایی کشور و با توجه به تغییرات و شرایط جدید ثبت سفارش واردات کالا، طبقه‌بندی و اولویت‌بندی کالاهای وارداتی و قیمت ارز، این دستورکار که شورای عالی فنی آن را تصویب کرده، شامل دو روش است و با هدف جبران اثرات ناشی از افزایش قیمت ارز در قراردادهای ریالی بدون تعدیل نرخ پیمان و بدون پرداخت هر گونه مابه‌التفاوت، که پیشنهاد قیمت از سوی پیمانکار (یا سازنده‌ی مصالح و تجهیزات)

صورتی که تاریخ اجرای قرارداد پس از این تاریخ باشد، و اگر پیشنهاد قیمت از زمان ۱۳۹۱/۰۵/۰۱ به بعد ارائه شده باشد و همچنان شرط عدم تعدیل وجود داشته باشد، می‌توان نتیجه گرفت که طرفین با آگاهی از شرایط موجود اقدام به انعقاد قرارداد کرده و خود سبب‌ساز زیان ناشی از نوسانات نرخ ارز شده‌اند. به این ترتیب، این نوع قراردادها مشمول ضوابط بخش‌نامه نخواهند شد و بر اساس اصل لزوم در قراردادها، باید به مفاد پیمان خود (همان شرط عدم تعدیل) پایبند باشند.

۲-۵. مبانی توجیه‌کننده تعدیل در صورت شرایط فورس مازور و هاردشیپ اجرای تعهد در فقه

برای توجیه امکان تعدیل در پیمان‌های فاقد شرط تعدیل قیمت در نظام حقوقی ایران، باید به اصول و قواعد فقهی و حقوقی متوسل شویم که عمده‌ترین آن‌ها شامل: ۱. نظریه شرط ضمنی، ۲. نظریه غبن حادث (برهم خوردن تعادل اقتصادی قرارداد)، ۳. قاعده نفی حسر و خرج (لاخرج) هستند.

۵-۲-۱. نظریه شرط ضمنی

این نظریه ناشی از بحران‌هایی است که افزایش شدید و بی‌رویه قیمت‌ها را به دنبال داشته و اجرای تعهدات را به ویژه در قراردادهای با مدت زمان طولانی به شدت دشوار کرده است (کاتوزیان، ۱۳۷۰، ۳، ۵۴). سوالی که در اینجا به بحث می‌نشینیم، این است که آیا تغییرات چشمگیر در زمینه توافق طرفین قرارداد جایگاهی دارد؟ آیا احترام به مفاد قرارداد و لزوم پایبندی به آن، به شرایط و اوضاع زمان انعقاد قرارداد و تغییرات متعارف وابسته است؟ به این پرسش می‌توان به گونه‌ای پاسخ داد که عقد بر اساس

قبل از ۱۳۹۱/۵/۱ ارائه شده و قرارداد بر اساس آن منعقد شده، به شرح زیر اعلام می‌شود. این مبلغ به شکل قطعی برای جبران آثار تغییر قیمت ارز پرداخت خواهد شد و دستگاه‌های اجرایی موظفند قواعد این بخش‌نامه را در عملکردهای پس از ۱۳۹۱/۱/۱ تا ۱۳۹۲/۱۲/۲۹ اعمال کنند». با توجه به این‌که این بخش‌نامه توسط شورای عالی فنی تصویب شده و به حکم قانون اعتبار دارد، حتی قراردادهایی که شرط عدم تعدیل قیمت را شامل می‌شوند نیز تحت تأثیر این تغییرات قرار می‌گیرند. این امر به این دلیل است که در زمان انعقاد قرارداد، پیش‌بینی تحولات غیرقابل انتظاری همچون تغییرات قیمت ارز ممکن نبوده و تفسیر نیت و اراده‌ی واقعی طرفین نشان می‌دهد که توافق آن‌ها به منظور حفظ تعادل اقتصادی عوضین تا پایان مدت قرارداد بوده است. بنابراین، بروز تغییرات نامتعارف که در زمان عقد برای طرفین پیش‌بینی نشده، موجب تغییر در ماهیت اولیه قرارداد می‌شود. با ابلاغ این بخش‌نامه و قوانین مربوط به آن، این قراردادها مشمول تعدیل خواهند شد، اما نحوه‌ی محاسبه آن‌ها با چارچوب‌های موجود در بخش‌نامه‌ی تعدیل متفاوت است.

لازم به ذکر است که برای آن دسته از قراردادها (قراردادهایی که فاقد تعدیل و مابه‌التفاوت هستند) تا بتوانند تحت پوشش ضوابط این بخش‌نامه قرار گیرند، باید مهلت ارائه‌ی پیشنهاد قیمت از سوی پیمانکار قبل از تاریخ ۱۳۹۱/۰۵/۰۱ باشد. به عبارت دیگر، تاریخ مناقصه باید پیش از وقوع تورم و بحران‌های اقتصادی و به تبع آن تغییرات نرخ ارز (از تاریخ ۱۳۹۱/۰۵/۰۱) باشد و قرارداد بر اساس قیمت‌های آن زمان منعقد شده باشد. در

سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که با توجه به این که اختیار فسخ به مغبونی که دچار غبن فاحش شده و از قیمت بی‌خبر بوده است (ذهنی تهرانی، ۱۴۰۵، ق، ۱۱، ۲۴۲) در قانون مدنی، محدود به زمان انعقاد قرارداد است، آیا امکان استناد به غبن در زمان اجرای قرارداد و در خصوص قراردادهایی که به خاطر تحولات شدید اقتصادی، تعادل اقتصادی بین دو عوض را در زمان اجرای قرارداد به هم زده و موجب تغییر چهره‌ی عقد شده است، وجود دارد؟

به این پرسش می‌توان پاسخ داد که، با وجود ادعای اجماعی فقها مبنی بر اینکه معیار افزایش یا کاهش قیمت فقط مربوط به زمان عقد است (نجفی، ۱۲۵۶، ق، ۲۳، ۴۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۴، ق، ۱۱، ۶۹؛ عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۴، ق، ۳، ۲۰۳؛ ابن مکی عاملی، بی تا، ۳، ۴۶۴)، می‌توان چنین استدلال کرد که همان‌طور که عدم تعادل عوضین در زمان عقد می‌تواند برای طرفین موجب ایجاد خیار غبن شود، در صورتی که حوادث غیرقابل پیش‌بینی در زمان اجرای عقد منجر به برهم خوردن تعادل عوضین و ایجاد عسر و حرج گردد، زیان‌دیده حق دارد تا از دادگاه درخواست تعدیل بخش قرارداد را نماید یا قرارداد را فسخ کند (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ۱، ۵۳۵-۵۴۱). بنابراین، این قاعده را می‌توان در مورد رویدادهای غیرمنتظره که تعادل قراردادی را حتی در زمان اجرای قرارداد به هم می‌زنند، به کار برد.

هدف از بیان مبانی فقهی توجیه‌کننده‌ی شرط تعدیل در صورت تحقق شرایط فورس ماژور و هاردشیپ اجرا از سوی متعهد (پیمانکار)، پاسخ به این سوال است که آیا امکان اعمال تعدیل قضایی در پیمان‌های دولتی که در شرایط خاص خود، شرط عدم تعدیل قیمت را پیش‌بینی

اراده طرفین شکل می‌گیرد و بدون قصد و خواست آنها، نه تنها قراردادی ایجاد نمی‌شود، بلکه اثر قانونی نیز برای آن وجود نخواهد داشت (نراقی، ۱۴۱۷، ق، ۱۵۹). بنابراین، باید همین اراده مبنای تفسیر ما قرار گیرد، به‌گونه‌ای که توافق ضمنی بر باقی‌ماندن وضعیت موجود در زمان انعقاد عقد و مواجهه با تغییرات متعارف تأکید دارد. اگر این وضعیت تغییر کند، شرط ضمنی اعتبار خود را از دست می‌دهد. به بیان دیگر، طرفین قرارداد را با این فرض تنظیم می‌کنند که اوضاع و احوال دچار تغییر نخواهد شد و در صورت بروز این تغییر، باید قرارداد را بر اساس شرایط جدید تعدیل کنند یا به فسخ آن تن دهند (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۶، ۱۲۳). روش فسخ قراردادها به دلیل مخالفت با اصل لزوم، صرفاً در موارد استثنایی امکان پذیر است (شریفی، صفوی، ۱۳۹۲، ۸). یکی از حقوق‌دانان قرون وسطی، «هفتر»، بیان می‌کند: «چنانچه تغییر اوضاع و احوال زمان عقد، قیود اصلی معاهده را تضعیف کند، می‌توان استثنایی در خصوص اصل وفاداری به عقد و احترام به آن قائل شد». بنابراین، بر اساس نظر غالب مفسران رومی، تغییر اوضاع و احوال ممکن است اصل الزام‌آور بودن قراردادها را از قاعده عام خارج کند و در مواردی که قرارداد با تغییرات بنیادی مواجه است، این اصل را تحت تأثیر قرار دهد (حکمت، ۱۳۶۴، ۳۷).

۵-۲-۲. نظریه غبن حادث (برهم خوردن تعادل اقتصادی قرارداد)

خیار غبن به‌عنوان یکی از مباحث کلیدی مرتبط با قواعد عمومی قراردادها، برای جبران زیان ناشی از عدم تعادل در عوضین توسط قانون‌گذار طراحی شده است.

۵-۳. شرایط فورس ماژور و هاردشیپ ناشی از تغییر در هزینه‌ها یا تغییر در قانون گذاری در فیدیک

فیدیک یا «مؤسسه بین المللی مشاوره مهندسین» در سال ۱۹۱۳ به وسیله مؤسسات ملی از کشورهایی مانند فرانسه، بلژیک، سوئیس بنا نهاده شده است و هم اکنون بعنوان سازمانی که فرمهای استاندارد در قراردادهای مربوط به تحصیل کارهای مهندسین را فراهم می‌کند موضوعیت دارد (نصیری و همکاران، ۱۳۸۳، ۲). طبق قانون فیدیک، اگر قرارداد پیمانکاری بر اساس الگوهای استاندارد تهیه شده باشد، مبلغ پیمان می‌تواند به خاطر تغییرات قیمت‌ها و نوسانات نرخ ارز دستخوش تغییر شود و همچنین به واسطه تغییر در قوانین که منجر به افزایش یا کاهش هزینه‌ها می‌گردد. به عبارت دیگر، نه تنها نوسانات قیمتی موجب تعدیل قیمت قرارداد می‌شود، بلکه تغییر قوانین نیز، چنانچه منجر به افزایش یا کاهش هزینه‌ها گردد، می‌تواند به طور مستقیم بر قیمت قرارداد تأثیر بگذارد. این موارد به شرح زیر توضیح داده می‌شود:

۵-۳-۱. شرایط فورس ماژور و هاردشیپ ناشی از تغییر در هزینه‌ها

بند ۸ از ماده ۱۳ نمونه قراردادهای ساخت و ساز (کتاب قرمز) تصریح می‌کند: «در صورت اجرای این بند، مبالغ قابل پرداخت بابت افزایش یا کاهش هزینه نیروی انسانی، کالا و سایر منابع مؤثر در کار به پیمانکار باید با استفاده از فرمول‌های ذکر شده در این بند تعدیل شود». طبق این بند، قیمت قرارداد که به علت تورم تغییر کرده است، با بهره‌گیری از فرمول ارائه شده، تعدیل می‌شود و در این صورت از کارفرما خواسته می‌شود تا مابه‌التفاوت قیمت زمان اجرای

کرده‌اند یا در این خصوص سکوت اختیار کرده‌اند، وجود دارد؟ به‌ویژه زمانی که در حین اجرای قرارداد به دلیل بروز بحران‌های اقتصادی و افزایش تورم، قیمت کالاها و مواد اولیه به طور قابل توجهی دچار تغییر می‌شود. آیا قانون‌گذار تدابیری برای جلوگیری از ورود خسارت به طرفی که مسؤول خرید این اجناس است، و به علت نوسانات قیمت، اجرای تعهد برایش دشوار می‌گردد، اندیشیده است؟

شایان ذکر است که علی‌رغم این‌که تعدیل قرارداد از جانب مقام قضایی امکان‌پذیر است و در فقه نیز این موضوع پذیرفته شده، اما قانون‌گذار تاکنون تمایلی به وضع مقررات عمومی و قواعد کلی در این زمینه نشان نداده است (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۸، ۴۳۵). می‌توان نتیجه‌گیری کرد که در قراردادهای پیمانکاری دولتی، اگر شرط عدم تعدیل در آن به وضوح مشخص شده باشد و در زمان اجرای قرارداد، بر خلاف میل واقعی طرفین برای حفظ وضعیت اقتصادی موجود در زمان انعقاد، به دلیل تغییرات شدید قیمت‌ها، تعادل اقتصادی بین عوضین مختل شود، اگر طرف زیان‌دیده نتواند از دادگاه برای تعدیل قضایی درخواست کند، به این دلیل که شرط عدم تعدیل ناشی از اراده مشترک طرفین است و تفسیر اراده‌ی ظاهری آن‌ها در درج این شرط نشان می‌دهد که فرد زیان‌دیده با آگاهی از شرایط موجود و با پیش‌بینی شرط عدم تعدیل، عملاً زمینه‌ساز زیان خود شده و بنابراین حق مطالبه از دادگاه، از جمله حق درخواست تعدیل قیمت قرارداد، حق فسخ و حق مطالبه خسارت را ندارد (محقق داماد، ۱۳۸۳، ۱، ۲۲۳-۲۲۱).

اولاً به ظاهر، مخالف اصل لزوم در قراردادهای است و ثانیاً تعریف روشنی از این وضعیت ارائه نداده است. با وجود این، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی (UPICC)، در تعریفی که از وضعیت هاردشیپ ارائه داده، تغییراتی را راجع به مفاد دکتترین مزبور ایجاد نموده که موجب تغییرات بنیادین اوضاع و احوال در قرارداد شود (ساعت چی، نیازآبادی، ۱۳۹۳، ۱). در نمونه قراردادهای فیدیک، بند ۷ از ماده ۱۳ قراردادهای ساخت و ساز (کتاب قرمز) تصریح دارد که: «مبلغ پیمان باید بر اساس هرگونه افزایش یا کاهش هزینه که به دلیل تغییر قوانین کشوری (از جمله وضع قوانین جدید و یا لغو یا اصلاح قوانین موجود) یا تفسیر این قوانین توسط مراجع قضایی یا دولتی که پس از تاریخ پایه صورت می‌گیرد و بر اجرای تعهدات پیمانکار تأثیر می‌گذارد، تعدیل شود». بنابراین، هرگونه تغییری در قوانین چنانچه باعث تغییر هزینه‌ها شود، به طور مستقیم موجب تعدیل قیمت قرارداد خواهد شد. معمولاً مصوبات مجلس در خصوص قیمت سوخت یا سایر منابعی که تحت کنترل دولت هستند، منجر به افزایش قیمت‌ها می‌شود (همان).

علاوه بر این، بند ۷ مقرر می‌دارد: «اگر پیمانکار به دلیل تغییرات در قوانین یا تفسیرهای مشابه که بعد از تاریخ پایه رخ دهد، با تأخیر مواجه شود و یا هزینه‌های اضافی متحمل گردد، باید این موضوع را از طریق یک اطلاعیه به مهندس مشاور اطلاع دهد. طبق بند ۱ از ماده ۲۰ (دعاوی پیمانکار) کتاب قرمز، در صورتی که پیمانکار به استناد هر یک از مطالب شرایط موجود یا به شیوه‌ای دیگر خود را مستحق دریافت تمديد یا مطالبات اضافی بداند، می‌بایست جزئیات مربوط به این رخداد یا شرایط که موجب این ادعا

کار که ناشی از افزایش یا کاهش دستمزد نیروی انسانی، کالاها و یا سایر منابع مؤثر در کار نسبت به قیمت قراردادی درج‌شده در اسناد مناقصه تغییر کرده، را پرداخت کند. در واقع، آنچه که موضوع تعدیل قیمت قرارداد در نمونه قراردادهای فیدیک و همچنین در شرایط عمومی پیمان قرار می‌گیرد، نوسانات قیمت مصالح یا دستمزد نیروی انسانی است.

برای قراردادهایی که مدت آن‌ها یک سال یا کمتر است، امکان تعدیل قیمت به خاطر تغییرات قیمتی کمتر محتمل است؛ حتی اگر پیمانکار توانسته باشد تغییرات هزینه‌ها را در این دوره کوتاه‌مدت با دقت معقولی اثبات کند (Michael D. Robinson, 2013, 48) اما در پیمان‌های با اجرای طولانی‌مدت، به دلیل مخاطره‌آمیز بودن پیش‌بینی تغییرات هزینه‌ها و افزایش مبلغ مناقصه به تبع آن، مکانیسم تعدیل قیمت قرارداد در نظر گرفته می‌شود تا از افزایش قیمت قرارداد در زمان مناقصه جلوگیری شود. در نتیجه، با در نظر گرفتن ریسک‌ها و مخاطرات، و به تبع آن، به کارگیری مکانیسم تعدیل، مبلغ قرارداد در زمان مناقصه به وسیله کارفرما کاهش می‌یابد و پیمانکار می‌تواند با قطعیت و دقت بیشتری قیمت قرارداد را پیشنهاد کند (همان).

۵-۳-۲. شرایط فورس مازور و هاردشیپ ناشی از تغییر در قانون گذاری

در مواردی که حسب تغییر اوضاع و احوال قراردادی، اجرای قرارداد برای یکی از طرفین بسیار دشوار و یا بی‌فایده شود، به موجب دکتترین هاردشیپ (دشواری مفراط) می‌توان در قرارداد موجود تجدید نظر نمود. دکتترین مزبور که سال‌ها مورد توجه نظام‌های حقوقی مختلف قرار گرفته، همواره با چالش‌هایی روبه‌رو بوده است چرا که

افزایش یا کاهش هزینه‌ها می‌شوند (مشروط بر اینکه ناشی از تقصیر پیمانکار نباشند)، تنها تغییرات مقررات هستند که می‌توانند به تعدیل مبلغ قرارداد منجر شوند، در حالی که سایر عوامل فقط می‌توانند موجب تمدید مدت قرارداد گردند (مستفاد از بند ۴ و ۵ ماده ۴ نمونه موافقت‌نامه خدمات). (FIDIC, ۲۰۱۱, ۶-۷)

از این رو، به بحث درباره تغییر مقادیر کار می‌پردازیم؛ زیرا کارهای اضافی که به دستور کارفرما انجام می‌شود، معمولاً منجر به افزایش مدت قرارداد و تأخیر در عملیات پیمانکاری می‌گردد. محاسبه مبلغ تعدیلی که به این پروژه مربوط می‌شود، بستگی به بررسی این تأخیرات توسط مهندس مشاور دارد. از سوی دیگر، تأخیر ناشی از تغییر مقادیر کار و در نتیجه تغییر مبلغ پیمان، می‌تواند ضریب تعدیل را نیز تحت تأثیر قرار دهد. بر اساس بند الف ماده ۲۹ شرایط عمومی پیمان، ممکن است در حین اجرای کار، مقادیر ذکر شده در فهرست بها و مقادیر منظم به پیمان تغییر کند. پس از دریافت ابلاغ تغییر مقادیر کار، پیمانکار موظف به انجام کار با نرخ و شرایط پیمان خواهد بود. بنابراین، هرگاه تعداد کارها افزایش یابد یا کارهای جدیدی از سوی کارفرما به پیمانکار ابلاغ شود، این امر قطعاً بر مدت اولیه پیمان تأثیر خواهد گذاشت و در نتیجه موجب تمدید مدت پیمان و به طور غیرمستقیم بر ضریب تعدیل و مبلغ تعدیل تأثیر خواهد گذاشت.

۶. نتیجه

موضوع «مطالعه تطبیقی تأثیر فورس مازور و هاردشیپ بر تعهدات طرفین قرارداد در حقوق ایران و فیدیک با نگاهی به فقه» به بررسی چالش‌های ناشی از شرایط غیرقابل پیش‌بینی و

(Claims) شده است، حداکثر ظرف ۲۸ روز از زمان آگاهی به مهندس مشاور اعلام کند». به این ترتیب، پیمانکار می‌تواند هرگونه ادعای مربوط به دریافت هزینه‌های اضافی خارج از مبلغ قرارداد، شامل مبلغ مربوط به تعدیل یا هزینه‌های اضافی را مطابق این بند مطالبه کند. مطالبات پیمانکار در این خصوص شامل موارد زیر است:

الف) تمدید مدت پیمان به ازای تأخیر مربوطه، در صورتی که مدت تکمیل پروژه به تعویق افتاده باشد،

ب) دریافت هزینه‌های مربوطه که باید به مبلغ پیمان افزوده شود. به طور معمول، تغییرات در قوانین می‌تواند منجر به تأخیر در اجرای کار شود و پیمانکار به خاطر این تأخیر که ناشی از تقصیر وی نیست، می‌تواند مستحق دریافت مبلغ اضافی و تمدید مدت پیمان گردد.

قابل ذکر است که طبق بند مزبور، اگر تأخیر مربوطه پیش‌تر در تعیین تمدید لحاظ شده باشد، پیمانکار نمی‌تواند برای آن تمدید درخواست کند و همچنین چنانچه هزینه مرتبط با آن قبلاً در فهرست تمامی ردیف‌های کاری به عنوان داده‌های تعدیلی براساس بند ۸ از ماده ۱۳ (تعدیل ناشی از تغییر قیمت‌ها) لحاظ شده باشد، هیچ پرداخت جداگانه‌ای برای این هزینه‌ها انجام نخواهد شد.

دلیل گنجانیدن مبحث تغییر در قوانین و تأثیر آن بر تعدیل قیمت قرارداد توسط تدوین‌کنندگان قراردادهای فیدیک در این است که آنان میان این عامل و سایر عواملی که بدون تقصیر پیمانکار باعث تأخیر در اجرای پروژه و به تبع آن تغییر قیمت‌ها می‌شوند، تفاوت قائل شده‌اند. به عبارت دیگر، در میان همه عوامل تأخیری که موجب

نیز با مفاهیمی چون قدر و قدر متقین و اسباب قهریه مطابقت دارند، به گونه‌ای که در صورت تحقق این عوامل، تعهدات طرفین منقلب یا محدود می‌شود و در نتیجه، نظر فقهی بر لزوم توجه ویژه به شرایط وقوع این حوادث و نحوه تأثیر آنها بر اجرا و انحلال قرارداد تأکید می‌کند؛ بنابراین، تطابق میان آثار این مفاهیم در حقوق فیدیک و فقه، نشانگر اهمیت یکسان‌سازی رویکردهای حقوقی و فقهی در مدیریت حوادث قهریه است، که این امر می‌تواند به بهبود سازوکارهای حل و فصل تعهدات در نظام‌های حقوقی مختلف کمک کند.

۷. سهم نویسندگان

سهم نویسندگان در تهیه و تدوین پژوهش حاضر برابر بوده است.

۸. تضاد منافع

در این مقاله تضاد منافع وجود ندارد.

منابع

منابع فارسی

- ابن مکی عاملی، محمد بن جمال الدین، اللعه للدمشقیه، بیروت، چاپ اول، دارالعالم الاسلامی، بی‌تا.
- حکمت، محمد علی، تاثیر تغییر اوضاع و احوال در اعتبار معاهدات و قراردادهای بین المللی، مجله حقوق، شماره ۳، زمستان ۶۴، صفحات ۷۸-۵.
- ذهنی تهرانی، جواد، المباحث الفقیه فی شرح الروضه البهیة، چاپ اول، انتشارات وجدانی، قم، ۱۴۰۵ق.
- ساعت چی، علی؛ نیازآبادی، مهدی، تحلیل تطبیقی هاردشیپ در حقوق

بحران‌های اقتصادی بر تعهدات قراردادی می‌پردازد. در دنیای امروز و به‌خصوص با وقوع حوادث طبیعی و بحران‌های جهانی، طرفین قراردادهای پیمانکاری و تجاری ممکن است با شرایطی رو به رو شوند که اجرای تعهدات را برای آن‌ها ناممکن یا به شدت دشوار می‌سازد. در این راستا، فورس ماژور و هاردشیپ به عنوان دو مفهوم قانونی؛ و به‌ویژه در نظام‌های حقوقی ایران و فیدیک، نقش مهمی در تبیین حقوق و تعهدات طرفین قرارداد دارند. اگرچه هر دو مفهوم به عدم توانایی در انجام تعهدات اشاره دارند، اما از جنبه‌های مختلف، تعاریف، شرایط و آثار آن‌ها در هر دو نظام حقوقی می‌تواند به طور نمایانی متفاوت باشد. در این رابطه، مسأله این است که چگونه می‌توان تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود میان نظام‌های حقوقی ایران و فیدیک را در خصوص فورس ماژور و هاردشیپ تحلیل کرد و بررسی کرد که این مفاهیم به چه شکل بر حقوق و تعهدات طرفین قرارداد تأثیر می‌گذارند. چنین به نظر می‌رسد که با وجود تشابهات عمومی میان حقوق ایران و فیدیک، تفاوت‌های معناداری در نحوه تعریف و مدیریت این مفاهیم وجود دارد که می‌تواند بر نیاز به تدوین بندهای قراردادی انعطاف‌پذیر و به‌روز تأکید کند. این توافق‌نامه‌ها می‌توانند به طرفین قرارداد کمک کنند تا حقوق و تعهدات‌شان را به شکلی مؤثرتر در مواجهه با شرایط متغیر و چالش‌های غیرقابل پیش‌بینی حفظ کنند. با توجه به مبانی فقهی، می‌توان نتیجه گرفت که در نظام‌های حقوقی و فقهی، آثار فورس ماژور و هاردشیپ به عنوان عوامل قوه قهریه و حوادث غیرمترقبه، در محدود کردن یا معاف کردن طرفین از مسئولیت‌های قراردادی نقش اساسی دارند و این مفاهیم، در فقه اسلامی

- قراردادها با تأکید بر رویکرد اصول
قراردادهای تجاری بین‌المللی، مجله
پژوهش‌های حقوق خصوصی، دوره ۲،
شماره ۴، صفحات ۶۳-۳۹، ۱۳۹۳.
- شریفی، سیدالهام الدین؛ صفری، ناهید،
مقایسه نظریه هاردشیپ و فورس مازور
در اصول حقوق قراردادهای بازرگانی،
اصول حقوق قراردادهای اروپایی و حقوق
ایران، نشریه پژوهش‌های حقوق
تطبیقی، دوره ۱۷، شماره ۴، ۱۳۹۲.
- شفائی، محمدرضا، بررسی تطبیقی
نظریه اوضاع و احوال در قراردادهای،
تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۷۶.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، حقوق
بین‌الملل عمومی، تهران: انتشارات
کتابخانه گنج‌دانش، ۱۳۸۴.
- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین ابن علی،
مسالك الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام،
قم، چاپ اول، موسسه معارف اسلامی،
۱۴۱۴ق.
- علامه حلی، حسن ابن یوسف ابن مطهر،
تذکره الفقهاء، چاپ اول، موسسه آل
البيت لاحیاء التراث، قم، ۱۴۱۴ق.
- فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر،
قم، انتشارات هجرت، ۱۴۲۵ ق.
- کاتوزیان، ناصر، ضمان قهری و مسئولیت
مدنی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
-، قواعد عمومی
قراردادهای، تهران: شرکت سهامی انتشار
با همکاری بهمن برنا، ۱۳۸۰.
- محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه (بخش
مدنی)، تهران، چاپ ۲۸، مرکز نشر علوم
اسلامی، ۱۳۸۳.
- نجفی، شیخ محمد حسن، جواهر الکلام،
بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۲۵۶ق.
- نصیری، مرتضی؛ عیسی تفرشی، محمد؛
رستمی چلکاسری، عبادالله، مطالعه
تطبیقی حق تعلیق و حق حبس در
حقوق داخلی و قرارداد نمونه فیدیک،
فصلنامه مدرس علوم انسانی، ویژه‌نامه
حقوق، ۱۳۸۴.

منابع لاتین

- Michael D, Robinson,(2013) An Employers and Engineers Guide to the FIDIC Conditions OF Contract , First Edition, Wiley _ Blackwell.
- Fluctuation in Parice of Materials and wages of labours Is Subject to Adjustent of Contract Price»: <http://www.fidic.org>, Mazhar, Al, Islam, (2011), Adjustment in Construction and Consultancy Contract, Convener, PEC Act and Byeilaws Committee.

